



دستگیری و محاکمه سیامک پورزند، از دید همسر حقوقدان او (گزارش لس آنجلس)

امیرمصدق کاتوزیان (راديو آزادی): دکتر مهرانگیز کار، حقوقدان، که چندی است برای درمان سرطان به آمریکا رفته است، اخیراً به منظور شرکت در مراسمی با هدف جمع آوری کمک مالی برای دایره المعارف انگلیسی زبان ایرانیکا به لس آنجلس رفت. در آنجا بود که خبر آغاز محاکمه همسرش را شنید و تصمیم گرفت در این باره با راديو آزادی گفتگویی ویژه داشته باشد.

دکتر مهرانگیز کار در آغاز گفتگویی ویژه خود با فیمه براتی، گزارشگر راديو آزادی در لس آنجلس بر این تأکید می کند که همسر زندانی او، سیامک پورزند، قربانی تضاد دوجناح درون جمهوری اسلامی ایران و حمایت از جناح اصلاح گرا شده است.

دکتر مهرانگیز کار: من فکر می کنم قصه تلخ زندگی سیامک را در این ماه های اخیر باید در وضعیت سیاسی ایران جستجو کرد و تحولاتی که در ایران واقع می شود به علت برخوردی که برخی از جناح های درون حاکمیت با همدیگر دارند و مقاومت هایی که در برابر اصلاحات بوده و هست. بدون شک سیامک یکی از مخلص ترین و صریح ترین طرفداران اصلاحات در ایران بود و با اینکه سیامک را به عنوان یک شخصیت یا شخص فرهنگی پرسروصدای قبل از انقلاب می شناختند، یک روزنامه نویس جنجالی.

مهرانگیز کار: اما سیامک از دوم خرداد؟؟؟؟ مخلصانه در خدمت مطبوعات اصلاح طلب قرار گرفت و این خدمت نه جهت پولی داشت، نه برای خودش و نه برای دیگران. او خدمتش را رایگان در اختیار این مطبوعات می گذاشت. بدون اینکه مقاله ای بنویسد. کوشش می کرد فضاسازی فرهنگی بکند برای اهل مطبوعات اصلاح طلب. کوشش می کرد استعدادها و تجارب گذشته خودش را در اختیار بگذارد برای گسترش فضای فرهنگی برای مطبوعات.

مهرانگیز کار: قصه ای که برای او در حال حاضر ساز کرده اند -- و بیش بینی هم می شد که به همین سبب در بیاید، حقیقتاً یک قصه ای است که جز در ذهن کسانی که اساساً عقیده ندارند به اعتلای ایران نمی تواند شکل گرفته باشد.

مهرانگیز کار: از هنگامی که برای ادامه معالجات خارج شدم از کشور و دخترم آزاده را مجبور شدم با خودم به خارج بیاورم ولی قرار بود که خودم برگردم به ایران ولی ناگهان ما باخبر شدیم به طور غیرمنتظره ای که سیامک ر بوده شده. از آن لحظه با وجود عظمت فاجعه و اینکه اساساً هیچگونه شکل قانونی نداشته این بازداشت و از آنجایی که من خودم در جریان قتل های زنجیره ای بودم و اسم من جزو اسامی بوده که در لیست قتل های زنجیره ای قرار می گرفته، تصمیم گرفتیم همه نیروی خود را صرف این بکنیم که از طریق نهادهای داخل کشور اقدام بکنیم.

مهرانگیز کار: من و دو دخترم، لیلی که دانشجوی دانشگاه یورک هست در کانادا و آزاده که دانش آموز دبیرستان است، هر سه به دفعات، کتبی یا شفاهی و تلفنی با نهاد های مختلف کشور تماس گرفتیم و شاید ده بار من با کمیسیون حقوق بشر اسلامی در ایران تماس گرفتیم هم کتبی هم شفاهی، به دفتر حمایت از منابع ایران در واشنگتن به دفعات مراجعه کردم، مکاتباتی با هیات نمایندگی ایران در نیویورک داشتیم. من شخصاً چند بار با دفتر آقای کروبی، رییس مجلس صحبت کردم و همه این تقاضاها که در واقع تقاضای این بود که سیامک را از دست آدمربایان، آدمربایانی که به آدمربایی

SP00173

شکل قانونی و موجه می دهند در بیاورند، بی نتیجه بود. من حتی با وزارت اطلاعات تماس مکرر تلفنی داشتم ولی به نتیجه نرسید و متاسفم که امروز مجبور شدم پرهیزی را که داشتم از اینکه با مدیای خارج از کشور صحبت بکنم در باره شوهرم سیامک پورزند، شکستم به علت خبر شگفت انگیزی که روز شنبه در روزنامه ایران که ارگان دولت هست در صفحه حوادث در باره یک محاکمه شگفت انگیز که به نظر من در تاریخ قضایی ایران -- اگر آدم بتواند اسم آن را قضایی بگذارد با این شکلی که پیدا کرده -- ماندگار خواهد شد و باعث تاسف خواهد بود که ایران ۲۴ سال بعد از انقلاب یک چنین شکلی به احیانا بازداشت یا محاکمه یک فعال فرهنگی ۷۱ ساله داده باشد. این پیرمرد ۷۱ ساله را تحت بدترین شرایط -- گفته شد به ما، ما هنوز نمی دانیم در این چهارماه سیامک در کجا نگهداری شده -- به ما گفته شد که در یک پادگان است. ما نمی دانیم یک فعال فرهنگی که فقط کار فرهنگی کرده برای چی باید در پادگان نگه داری شده باشد و بعد بدون اینکه به او اجازه داده باشند در فاصله -- حالا اگر بازهم اسمش را بشود گفت تحقیق و محاکمه -- نفسی تازه بکند، اعلام می کنند که در دادگاه علنی محاکمه شده و این افاری را کرده و حالا لابد این اقرار هم دنباله دار است و سناریویی است که باید دید نقش آفرینان تخیلی چه کسانی در این سناریو هستند.

مهرانگیز کار: این آدم را ایزوله کردند. این آدم را حتما مورد آزار و اذیت قرار دادند. کاملا اعتماد به نفس را از او گرفته اند و کاملا مغزشویی کرده اند او را به نحوی که احساس بکند تنهاست و هیچکس به دانش نمی رسد و تن داده است به آنچه از او خواسته شده در جهت تامین منافع کسانی که فعلا ما از اسامی آنها بی خبریم و فکر هم نمی کنم خیلی بتوانیم امیدوار باشیم که سرانجام به این زودی اطلاع پیدا کنیم از اصل ماجرا.

امیرمصدق کاتوزیان: در پاسخ به این پرسش گزارشگر رادیوآزادی در لس آنجلس که تا آنجا که او می داند استدلال و استناد دادگاه برای بازداشت و محاکمه سیامک پورزند چیست، همسر او مهرانگیز کار می گوید:

مهرانگیز کار: اساسا دلیلی را ضروری ندانسته اند که اعلام بکنند. گویا شهروندانی از نوع سیامک پورزند که خوب، آنها را در جرگه غیرخودی ها قرار می دهند، اساسا فاقد حقوق شهروندی هستند. از یک دیدگاه غالب و خیلی مصمم در سیاست گذاری ایران. متاسفانه در قوه قضاییه جریان های عجیب و غریبی وجود دارد که متاسفانه این جریان ها گاهی از عهده همدیگر بر نمی آیند و خوب گاهی وقت ها بر سر مسائلی شاید با همدیگر به توافقی برسند. در موضوع خاص سیامک که ابتدا به شکل آدمربایی انجام شده، من مواجه با این سؤال هستم با توجه به اینکه سیامک مخلصانه و صادقانه در اصلاح طلبی در ایران بعد از دوم خرداد ۱۳۷۶ حمایت می کرد، بنابراین کسی که از اصلاحات حکومتی در ایران عصر جمهوری اسلامی به آن شدت و با آن شوریدگی و شیفتگی حمایت کند، این فرد نمی تواند علیه امنیت ملی قدمی برداشته باشد. خوب، به این فکر می کنم که مبادا خدای ناکرده اساسا در موضوع خاص سیامک توافقی بین جناح ها انجام شده باشد به خصوص که ما به لحاظ همزیستی با همدیگر کاملا واقف هستیم، من و فرزندان او، که تمام حرکات سیامک و تمام فعالیت های فرهنگی سیامک در مجموعه فرهنگی که در آن کار می کرد، همه کاملا کنترل شده بود و بر او نظارت می شد و وزارت اطلاعات اشراف کامل داشت به اوضاع و آفایانی بودند که کاملا مطلع بودند و حتی در بعضی از برنامه هایی که در این مجموعه اجرا می شد با قبلا که چندماهی در سازمان کیش کار می کرد، و برای اساتید هنر ایران یک برنامه هایی را تنظیم می کرد، تجلیل از هنرمندان قدیمی، تجلیل از موسیقیدانان، در تمام اینها بعضی وقت ها آفایانی از وزارت اطلاعات می آمدند و شاهد بودند و ناظر بودند بر ماجرا.

مهرانگیز کار: به این دلیل است که خوب، از یک نگاه می شود گفت سیامک قربانی شده است. به عنوان سمبول پیرمردانی که فعال بودند قبل از انقلاب و می خواهند و خواسته اند باز هم فعال فرهنگی باشند بعد از انقلاب. مملکتشان را دوست داشتند و دارند. در مملکت خود باقی مانده اند و ادامه داده اند به فعالیت های فرهنگی شان و به هیچ عنوان قصد اقدام علیه امنیت ملی هم نداشته اند. این یک نگاه است که بر پایه آن شاید بشود گفت می خواهند نسق کشی بکنند و فضای رعب آمیزی درست کنند

برای این تیپ و طبقه، بدون اینکه اینها خطری داشته باشند برای آن نظام سیاسی که ما می شناسیم در ایران. و از طرف دیگر هم می شود تصور کرد که یک انتقام جویی و انتقام کشی بیرحمانه از یک پیرمرد ۷۱ ساله است به این جرم و این گناه که از اصلاحات دوم خرداد ۷۶ به بعد حمایت کرده توسط باندها و گنگ ها و افرادی که با این اصلاحات هیچگوقت سر سازش و موافقت نداشتند. من به این بخش از سخنانم بیشتر پای بند هستم و فکر می کنم سیامک دارد انتقام حمایت خود را از اصلاحات پس می دهد.

امیر مصدق کاتوزیان: مهرانگیز کار آنگاه در گفتگو با گزارشگر رادیوآزادی در لس آنجلس از تغییری که از این پس در برخورد با بازداشت و محاکمه همسر خود سیامک پورزند خواهد داد می گوید:

مهرانگیز کار: ببینید، روزنامه ایران، روزنامه دولت ایران، ما را در موقعیت جدیدی قرار داد. تا به حال تمام توجه مان به نهادهای درون کشور بود ولی کاملاً ثابت شد که نهادهای درون کشور برای قانونمندی یا زوری ندارند که آن را اعمال کنند یا حوصله و مجالی ندارند. چون وقتی که جنگ قدرت در کشوری به سطوح شگفت انگیز و بحرانی برسد، احتمالاً برای حقوق شهروندی از نوع سیامک دیگر جایی باقی نمی ماند و این حقوق در جلسات خاص آنها اساساً مورد بحث هم قرار نمی گیرد.

مهرانگیز کار: در حال حاضر ما جز اطلاع رسانی کاری نخواهیم کرد. اطلاع رسانی به این معنا که وضعیت سیامک پورزند را گزارش بدهیم به همه احاد مردم ایران درون کشور و خارج از کشور. من و بچه های سیامک پورزند این خط مشی را از دیروز انتخاب کردیم و ادامه خواهیم داد. به خصوص، در صدد این هستیم که جمع آوری بکنیم آثاری را که نشان دهنده خدمات سیامک پورزند قبل از انقلاب برای توسعه فضای فرهنگی و هنری کشور بوده و بعد از انقلاب باز در همین سطح ادامه داشته و حتی اگر بشنویم که سیامک پورزند مثلاً به علت کبر سن فوت شده در اطلاع رسانی و جمع آوری آثاری از خدمات سیامک که از ۱۸ سالگی با تاسیس سینه کلپ در ایران آغاز شده و تا ۷۱ سالگی در مجموعه فرهنگی هنری تهران ادامه پیدا کرده فروگذار نخواهیم کرد و کوشش خواهیم کرد یک چهره واقعی از سیامک پورزند را در تاریخ خدمات فرهنگی و سیاسی ایران ثبت کنیم، علیرغم اراجیفی که متأسفانه بخشی از مطبوعات کشور دارند انتشار می دهند.

امیر مصدق کاتوزیان: مهرانگیز کار، آنگاه به فهیمه براتی، گزارشگر رادیوآزادی در لس آنجلس می گوید وی در حمایت از همسر خود ترسی به دل راه نمی دهد از جمله به این دلیل که بازداشت همسر او ممکن است به خاطر نوشته های انتقادی و کوشش های حقوقی خود وی انجام گرفته باشد.

مهرانگیز کار: من دیگر اهمیت نمی دهم به اقدامی که برای جلوگیری از من در این سمت و سو انجام بشود یا نشود. من فکر می کنم اینجا دیگر ما رسالت داریم. تا حالا ما همه نیروی تحمل و بردباری خود را به کار بردیم تا از خود نهادهای کشور بخواهیم سیامک را از چنگال این وضعیت بیرحمانه بیرون بکشند. ولی نه تنها نتوانستند با نخواستند، بلکه آن را در بدترین شرایط در محاکمه ای که ما اصلاً وکیل مدافع آن را هم نمی شناسیم، در وضعیت کاملاً تحقیر آمیزی مثلاً محاکمه کردند. اینها را ما به رسمیت نمی شناسیم از نظر قانونی و به تدریج هر چه پیش برویم سعی می کنیم این وضعیت غیرقانونی را گزارشگر باشیم نه برای اینکه سیامک را نجات بدهیم چون سیامک سرنوشت تلخی پیدا کرد. سرانجام تلخی پیدا کرد. و شاید بخشی از مکافات را که دارد متحمل می شود، ناشی از داشتن همسری مانند من بوده که در این سالها انتقاد کرده از ساختار حقوقی کشور بر پایه تخصص خود. من به لحاظ اینکه ۲۰ سال در جمهوری اسلامی وکالت کرده ام و شاید بیش از ۳۵ سال است که قلم می زنم، هم در زمان شاه و هم در زمان جمهوری اسلامی، البته به خودم اجازه می دهم که از سیامک پورزند حمایت و دفاع گسترده ای داشته باشم. نه به عنوان همسر بلکه به عنوان یک آدم کاملاً مظلوم که در چنگال بی عدالتی گرفتار شده.

امیرمصدق کاتوزیان: در پاسخ به این پرسش رادیوآزادی که برای پیدا کردن راه حلی برای پرونده سیامک پورزند آیا او با دفتر ریاست جمهوری محمد خاتمی نیز تماس هایی گرفته است، مهر انگیز کار می گوید:

مهر انگیز کار: اولین کاری که انجام شد از طرف ما نامه ای بود که دختر من، آزاده پورزند، دختر ۱۷ ساله ای که تازه از ایران چند ماهی است خارج شده، نوشت برای آقای سید محمد خاتمی. این نامه نامه بسیار موثری بود حتی من را بسیار متأثر کرد وقتی که خواندم و ما خیلی امیدوار بودیم که آقای خاتمی بتواند به یک رای اولی بدهند. ولی از فرار خوب، یا نخواستند یا نتوانستند، مثل خیلی از وقایع دیگری که در ایران اتفاق افتاده و ایشان نتوانستند در آن نقش مناسبی ایفا کنند، ما نتیجه ای نگرفتیم. حتی تا امروز که من دارم با شما صحبت می کنم و نزدیک به چهار ماه است که سیامک مفقود شده و سه بار فقط آورده اند او را برای مدت ۱۵ دقیقه در اداره اماکن از محل پادگانی که بوده، من نمی دانم کجا، و خواهر او دیدار کرده با او و هر بار هم از نظر روانی بسیار مرعوب و ترسیده بوده. ما هنوز اطلاع نداریم که اصلا در کجا نگه داری می شده. آقای خاتمی هم به ما پاسخ مستقیمی که ندادند. پاسخ های غیرمستقیمی که دریافت کردیم حاکی از این بود که آقای خاتمی دستورات خیلی روشنی داده اند برای رسیدگی به وضعیت سیامک.

مهر انگیز کار: حداقل توقع ما این بود که برای این نمایش قانونی اندکی مهارت بیشتری به خرج بدهند همان بخش از قوه قضاییه که در اختیار نیروهای خاصی است. ولی حتی این کار را هم نکردند و اقدام کردند به برپایی یک دادگاه بسیار ناشیانه که متصل می شود به دوران بسیار سخت نگهداری او در یک پادگان بدون اینکه فرصتی پیدا کرده باشد برای اینکه از وکیل تعیینی توسط خانواده خود استفاده کند. ما حتی نمی دانیم وکیل ایشان که بوده. ولی برداشته اند نوشته اند در روزنامه ها که وکیل مدافع هم حضور داشته. یک بخش از گرفتاری ما متأسفانه فقط ناشی از حکومت نیست بلکه ناشی از خودمان هم هست. مثلاً من به عنوان یک زنی که ۳۰ سال سابقه روزنامه نویسی در ایران دارم، حداقل باید دست مریزاد بگویم به خبرنگاران روزنامه "ایران" که خبر مشکلات و دادگاه غیرقانونی یک پیرمرد ۷۱ ساله فعال فرهنگی را در صفحه حوادث چاپ می کند. در جایی که حوادث مربوط به قتل، دزدی، کلاهبرداری، دختران فراری یا قاچاقچی ها را چاپ می کنند. غیر از اینکه دست مریزاد باید بگویم به یک چنین مهره های مطبوعاتی که مثلاً در مطبوعات مترقی ما هم فعال هستند، باز باید دست مریزاد گفت به آن آقا یا خانم وکیل دادگستری که به خودش اجازه داده است با اینکه با من همکار است و حتماً می داند که همسر سیامک پورزند وکیل دادگستری است، برود و این دادگاه فرمایشی را در آن نقش ایفا کند، بدون اینکه به همکار خود که من هستم و عضو دیگری هستم از کانون وکلای دادگستری، اطلاعی داده باشد یا تماسی با من برقرار کرده باشد. می توانست بگوید خانم کار، مقرر شده است، می توانست بگوید مقرر شده، چون من که ساختار آنجا را می شناسم و بر من حیرت انگیز نبود اگر این وکیل به من زنگ می زد و می گفت خانم کار مقرر شده است که من از شوهرت دفاع بکنم. بنده هم از او تشکر می کردم و شاید اطلاعاتی در اختیار او می گذاشتم. هر وکیل مدافعی تکلیف دارد، آنهم در برابر متهمی که می فهمد در چه وضعیتی قرار گرفته که اطلاعات را از افراد خانواده آن متهم بگیرد، اگر برای او امکان نیست که از خود متهم بگیرد. ولی متأسفانه کسی با من تماس نگرفت و باز متأسفانه، کانون وکلای دادگستری ایران که خیلی هم سعی می کند خودش را در شرایط کنونی فعال کند و پیش از گذشته در امور مربوط به حقوق مردم اعلام نظر کند، تاکنون که حدود چیزماد از مفقودالایر شدن یا بازداشت یا هر چیزی می گذرد، هرگز وارد این عرصه نشده و گمان هم نمی کنم باوجود اعلام خبر دادگاهی که همه چیز آن نشان دهنده وجوه غیرقانونی موضوع هست، اعلام نظر بکند.

مهر انگیز کار: به هر حال ما در ایران با مشکلات مختلفی برای احقاق حق روبرو هستیم و یکی از مهم ترین مشکلات این است که ما ناظرانی را در ایران که قدرتمند باشند و اساساً جرات کنند و حرفشان تعیین کننده باشد، نداریم. مثل مثلاً کمیسیون حقوق بشر اسلامی، خوب، یک حرف هایی را می زند و یک کارهایی را می کند ولی کجا نتیجه ای می گیرد. اصلاً کسی حتی پاسخ به نامه های این کمیسیون نمی دهد. و آخرین باری که من با خانم طه در این کمیسیون صحبت کردم و قبل از آن

که با آقای ضیایی فر در این کمیسیون صحبت کردم دائما به من گفته شده که والله به خدا، ما خیلی زحمت می کشیم و نامه می نویسیم ولی دریغ از یک جواب و هنوز نمی دانیم شوهر شما را کجا نگهداری می کنند. یا مثلا، وقتی که مجلس شورای اسلامی برای استیفای حقوق خود این قدر گرفتاری و مشکل دارد، خوب طبیعی است که تقاضای من از این مجلس برای رسیدگی به وضعیت شوهرم بلاجواب بماند یا بی تاثیر باشد.

امیرمصدق کاتوزیان: فهیمه براتی، گزارشگر رادیو آزادی در لس آنجلس آنگاه می پرسد آیا با سازمان های بین المللی حقوق بشری در باره پرونده سیامک پورزند تماس گرفته شده است؟ پاسخ مهرانگیز کار:

مهرانگیز کار: من تقاضای کمک نکرده ام. ولی پاسخ سازمان های جهانی البته چون می دانستند که خانواده پورزند خارج از کشور هستند همواره با ما ارتباط برقرار کرده اند و سوال کرده اند از وضعیت سیامک و ما در حدودی که به ایران خبر می رسیده به این سازمان ها پاسخ گفتیم. من نمی دانم درجه فعالیت آنها چه حدی بوده ولی آنچه که مسلم است آنها هم توان محدود خود را در این موضوع به کار برده اند ولی همانطور که می دانید، عیجکدام تاثیر گذار نبوده. تصمیم، تصمیم فراقانونی، بر این بوده و هست که از سیامک یک چهره منفور و یک چهره حقیر برسانند شاید برای اینکه این حقارت را به من هم که سالها قلم زده ام و مجموعه کارهایم می تواند مجموعه تعیین کننده و تاثیرگذاری باشد، صدمه بزنند اما آنچه مسلم است توفیق این کار را نخواهند داشت برای اینکه خیلی این شیوه ها مستعمل است مخصوصا در ایران و فرسوده است و شاید بهتر بود که اساسا از این شیوه ها استفاده نمی کردند حتی نفع خودشان هم در این بود که این شیوه را کنار می گذاشتند و یک دیپلماسی جدیدی پیدا می کردند برای حفظ قدرت.

امیرمصدق کاتوزیان: پرسش دیگر رادیو آزادی در گفتگوی اختصاص با مهرانگیز کار این است که با توجه با اطلاعاتی که در پرونده همسر زندانی او سیامک پورزند و هم در باره فعالیت های او پیش از بازداشت دارد، چه اراده و منافعی در به زندان افتادن و محاکمه او سهیم هستند. مهرانگیز کار در پاسخ می گوید:

مهرانگیز کار: ببینیم اگر قائل باشیم که یک دسته و گروه خاص هستند که اینها بازوهای هستند برای یک بخشی از جناح های قدرت. خوب، باید قبول کنیم که اینها منافع آنی و کوتاه مدت خود را در نظر دارند. معمولان گروه های سیاسی که خیلی به منافع آنی و کوتاه مدت نگاه می کنند دست به چنین حرکاتی می زنند. یعنی حرکاتی که به هیچ وجه جنبه قانونی ندارد و ولی وقتی یک گنگ و یک گروه کسی را بدزدند، بزنند، تحت فشار قرار دهند و از اقرار و اظهاراتی اخذ بکنند، این اقرار دیگر می شود مجوزی برای اینکه شکل قانونی هم به آن بدهند بعدا. پس در اینگونه پرونده ها یا سناریو ها به نظر من باید دنبال برگ اول پرونده گشت و باید دید که برگ اول پرونده را کدام عامل بر پایه چه ببنشی دستور داده که به وجود بیاید. خوب، حتی شایع است که قبل از اینکه سیامک را برابند، کس دیگری را ربوده بودند. که من اینجا نمی خواهم خیلی راجع به آن حرف بزنم. چون بنده هم شنیده ام این مسائل را. خیلی روی آنها پافشاری ندارم. و آن کس را با تهدید و ارعاب و اادار کرده بودند که مطالبی را علیه سیامک روی کاغذ بیاورد و بر پایه آن توانسته بودند سیامک را برابند. اما بعد که توانسته بودند از خود سیامک اقرار و اظهاراتی را که مورد نظر خودشان بود بگیرند، برای آن شخص هم پیغام داده بودند که دیگر این مطالب که تا حالا گفته ای جایی عنوان نکن و سر کار خود برو و ما اساسا دیگر نیازی به اظهارات تو نداریم. اینها چیزهایی است که من شنیده ام ولی به سوال مشخص شما باید اینطور پاسخ بدهم که این قبیل کارها هیچوقت منافع دراز مدت نیروهای سیاسی را تامین نمی کند ولی ممکن است در یک مقطع بسیار کوتاه که مثلا یک شرو شوری به پا شده و یک موضوعی در جامعه هیجان آفرینی کرده، ممکن است در یک مقطع کوتاه ایجاد ارعاب کند و کسانی را ساکت نگه دارد ولی اینها سکوت و اختناق موقتی خواهد بود.

امیرمصدق کاتوزیان: و سرانجام مهرانگیز کار در پاسخ به این پرسش که با توجه به اینکه او یکی از

متهمان پرونده کنفرانس برلن بوده است، تا چه حد ممکن است پرونده او موجب بازداشت و محاکمه همسرش سیامک پورزند شده باشد، می گوید:

مهرانگیز کار: من فکر می کنم خیلی زیاد، ولی صد در صد نه. برای اینکه به گمان من سیامک همانطور که گفتم دارد انتقام حمایت از اصلاح طلبان مطبوعاتی را پس می دهد و ممکن است که من هم به عنوان یک عامل به این قضایا اضافه شده باشم ولی به عقیده من عمده گرفتاری سیامک اینجا پیش آمده که گروهها و دستجات مخالف با اصلاحات از اینکه سیامک در مطبوعات خارج از کشور بسیار حمایت می کرد، و همان طور که گفتم به سبب طبع خاصی که دارد، پرشور این حمایت ها را ادامه می داد، خیلی با او درگیر شده بودند و مرتب پرونده هایی را برای او احتمالا روی هم می گذاشتند و با همه اینها نتوانسته بودند به طور قانونی با سیامک برخورد بکنند. خوب، کاری نداشت یک برگه احضاریه بود که آقا شما به این دلیل فلان ساعت فلان جا حاضر بشو و اگر هم حاضر نمی شد مثل همه موارد دیگر، برگ جلیبی صادر می شد و جلب می شد، به شکل قانونی.

مهرانگیز کار: چه ضرورتی داشت در تاریکی شب این کار بشود. چه ضرورتی داشت در شرایطی این کار انجام بشود که هیچکس شاهد نبوده. قیافه این آقایان را حتی ندیده. همه این واقعیت ها به ما اجازه می دهد که بگوییم کسانی در ایران دست به این حرکات می زنند که برای منافع آنی لازم می دانند این حرکات را و شاید بعدا اینها را پایه و مایه قرار می دهند برای انجام برخی معاملات سیاسی. فعلا ما از کنه مطلب بی خبر هستیم و آنچه را مطرح می کنیم بر اساس شنیده ها و یافته های این چهارماه اخیر است.

فهیمة براتی، مصاحبه با مهرانگیز کار، با همکاری امیرمصدق کاتوزیان

radioazadi.org

HOME | CONTACT | GO-UP

Radio Free Europe / Radio Liberty © 2002 RFE/RL, Inc. All Rights Reserved. <http://www.rferl.org>